شکنجه و قتل حمیدرضا رجب‌زاده به دستور شبکه معاند

آرمین بینا

ناپدید شدن مرموز حمیدرضا رجب‌زاده، مداح ۲۸ ساله، پس از خروج از خانه، با کشف فیلمی هفت‌ثانیه‌ای از جنایت، وارد مرحله‌ای هولناک شد. تحقیقات پلیس نشان داد مرد جوان پس از سوار شدن به یک پژو ۴۰۵ ربوده شده و به دست اعضای یک گروه مورد آزار و شکنجه قرار گرفته و به قتل رسیده است. تاکنون چهار متهم در این پرونده بازداشت شده‌اند و یکی از آنها مدعی شده است اعضای این گروه با انگیزه دریافت چند هزار دلار از یک شبکه معاند وارد این جنایت شده‌اند.

مرد میانسالی روز دوشنبه پنجم مرداد با مراجعه به اداره چهارم پلیس آگاهی تهران، از ناپدید شدن مرموز پسر ۲۸ ساله‌اش به نام حمیدرضا رجب‌زاده خبر داد و برای یافتن او درخواست کمک کرد.

ناپدید شدن پس از یک قرار دوستانه

پدر حمیدرضا در توضیح ماجرا به مأموران گفت: «پسرم شب قبل برای دیدن یکی از دوستانش از خانه بیرون رفت و دیگر برنگشت. او گفت با یکی از دوستانش قرار ملاقات دارد و به‌زودی به خانه بازمی‌گردد، اما ناگهان ناپدید شد. ابتدا احتمال دادیم به خانه دوستان یا بستگانش رفته باشد، اما هرچه جست‌وجو کردیم، هیچ‌کس از او خبری نداشت. تلفن همراهش نیز خاموش بود و صبح هم به خانه بازنگشت. نگران شدیم که شاید اتفاقی برای او رخ داده باشد و به همین دلیل تصمیم گرفتیم از پلیس کمک بخواهیم.»

پس از ثبت شکایت، تیمی از کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی به دستور بازپرس دادسرای امور جنایی تهران تحقیقات خود را برای یافتن ردی از مرد جوان آغاز کردند.

ردپای مرد گمشده در حوالی میدان آزادی

بررسی‌های اولیه نشان داد حمیدرضا از بسیجیان و مداحان اهل‌بیت در جنوب شرق تهران بوده و شب حادثه در حوالی میدان آزادی به شکل مرموزی ناپدید شده است. کارآگاهان در جریان تحقیقات از خانواده و نزدیکان حمیدرضا دریافتند که او برای رسیدن به محل قرار، با پای پیاده از خانه خارج شده‌است. مأموران پس از شناسایی دوست او و تحقیق از وی متوجه شدند حمیدرضا اصلاً به محل قرار نرسیده و در میانه راه ناپدید شده‌است.

در ادامه، کارآگاهان تصاویر دوربین‌های مداربسته در مسیر تردد حمیدرضا را بررسی کردند. تصاویر نشان می‌داد مرد جوان پس از طی مسافتی سوار یک دستگاه پژو ۴۰۵ شده است. پلاک این خودرو در تصاویر مخدوش بود و همین موضوع، ظن کارآگاهان را نسبت به احتمال وقوع یک آدم‌ربایی افزایش داد.

ارسال فیلم ۷ ثانیه‌ای از قتل

با وجود جست‌وجوهای گسترده، در روزهای نخست هیچ ردی از حمیدرضا به دست نیامد. شواهد موجود نیز نشان می‌داد که احتمالاً حادثه‌ای تلخ برای او رخ داده است.

تا اینکه اواخر هفته گذشته، خبر رسید فیلمی دلخراش و هفت‌ثانیه‌ای از قتل حمیدرضا برای خانواده‌اش ارسال شده است.

در این فیلم، مرد جوان در حالی دیده می‌شد که مورد شکنجه و آزار قرار گرفته بود و بررسی‌های اولیه نشان می‌داد او پس از این شکنجه‌ها جان خود را از دست داده است. با روشن شدن سرنوشت تلخ حمیدرضا، پرونده از یک ناپدید شدن مرموز وارد مرحله جنایی شد و کارآگاهان تحقیقات تخصصی برای شناسایی عاملان قتل را آغاز کردند.

شناسایی صاحب پژو ۴۰۵

کارآگاهان در جریان بررسی‌های فنی و تخصصی، موفق شدند پلاک اصلی خودروی پژو ۴۰۵ را شناسایی کنند. با استعلام شماره پلاک، هویت صاحب خودرو نیز به دست آمد.

صاحب خودرو مرد جوانی به نام احسان بود که مأموران در عملیاتی او را دستگیر و به اداره پلیس منتقل کردند. احسان در تحقیقات اولیه هرگونه اطلاعی از ماجرا را انکار می‌کرد، اما زمانی که کارآگاهان مدارک و شواهد موجود را در اختیارش قرار دادند، به قتل حمیدرضا اعتراف کرد.

اعتراف به قتل با همدستی ۴ نفر

متهم در ادامه تحقیقات مدعی شد قتل حمیدرضا را با همدستی چهار نفر از دوستانش مرتکب شده است. کارآگاهان نیز در ادامه عملیات خود موفق شدند سه نفر از همدستان احسان را شناسایی و دستگیر کنند. متهمان صبح دیروز در جریان تحقیقات پلیسی به ارتکاب جرم اعتراف کردند، اما مدعی شدند عامل اصلی قتل یکی از دوستانشان به نام فرزاد بوده که پس از جنایت متواری شده‌است. در حال حاضر تحقیقات تخصصی از متهمان دستگیرشده ادامه دارد و کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی تهران در تلاش هستند با شناسایی مخفیگاه فرزاد، او را دستگیر و پرده از انگیزه و جزئیات این جنایت هولناک بردارند.

اعتراف

احسان، ۳۰ ساله، یکی از متهمان پرونده قتل مداح اهل بیت است که در پی این حادثه بازداشت شده است. او در اظهارات خود مدعی شده که تحت تأثیر شبکه‌های معاند قرار گرفته و قرار بوده در ازای شکنجه و قتل حمیدرضا، مبلغ ۵ هزار دلار دریافت کند. متهم گفت: در یک کانال تلگرامی که از سوی شبکه‌های معاند اداره می‌شود، عکس حمیدرضا را دیدیم که زیر آن نوشته شده‌بود: «هر کسی این فرد را شکنجه یا به قتل برساند، دستمزد ۲ هزار تا ۵ هزار دلاری می‌گیرد.» وسوسه شدیم. واقعیتش پول کمی پیشنهاد نداده‌بود و من و همدستانم وضع مالی خوبی نداشتیم و تصمیمی که نباید می‌گرفتیم، گرفتیم. متهم ادامه داد: من وظیفه‌ام چیز دیگری‌بود. هر کدام از ما یک وظیفه داشتیم. قاتل اصلی فرزاد است که فراری است.

وی ادامه داد: سردسته باند که فرزاد است، وظیفه ما را مشخص کرد. من ماشینم را در اختیار باند برای اجرای نقشه قرار دادم. یکی دیگر از اعضا سیم‌کارت را تهیه کرد که دزدی بود. یکی دیگر خانه‌اش را در اختیار تیم قرار داد که حمیدرضا را پس از ربودن به آنجا منتقل کردیم. البته همه ما در شکنجه کردن حمیدرضا نقش داشتیم، اما ضربات مرگبار و اصلی را فرزاد زد.

متهم در شرح حادثه هم گفت: حمیدرضا را تحت نظر گرفتیم و شب حادثه او را به عنوان مسافر سوار خودرو کردیم. البته برای اجرای نقشه از قبل خرمای مسموم تهیه کردیم و یکی از ما به بهانه خیرات برای پدرش به او تعارف کردیم. او اطمینان کرد و خرمای مسموم را خورد و بی‌هوش شد.

وقتی بی‌هوش شد، او را به خانه یکی از اعضا بردیم و در آنجا او را از ساعت ۱۲ شب تا ۵ صبح شکنجه دادیم و از او فیلم گرفتیم. فیلم را برای شبکه معاند و خانواده او فرستادیم. جسد را فرزاد تحویل گرفت و با خودش برد و دیگر از او خبری نداریم.

وی درباره احتمال بازداشت هم گفت: ما حساب شده عمل کردیم، اما پلیس دست ما را رو کرد. پلاک خودرو را کامل مخدوش کردیم. سیم‌کارت و گوشی سرقتی برای اجرای نقشه تهیه کردیم، اما باز هم دستمان رو شد و گرفتار شدیم. تصور می‌کردیم هیچ ردی از خودمان به جا نگذاشته‌ایم، اما اشتباه می‌کردیم و پلیس را دست کم گرفته بودیم.

یادداشت

یک مشت دلار برای جنایت

حسین فصیحی
دبیر گروه حوادث

قتل دلخراش حمیدرضا رجب‌زاده، فارغ از همه ابعاد قضایی پرونده، یک پرسش مهم را پیش روی جامعه قرار می‌دهد: چگونه می‌توان انسانی را تا آنجا تحت تأثیر قرار داد که در برابر دریافت چند هزار دلار، دست به جنایتی هولناک بزند؟ اهمیت این پرسش زمانی بیشتر می‌شود که بنا بر اطلاعات اولیه پرونده، چهار نفر در جریان تحقیقات بازداشت شده و در اظهارات خود گفته‌اند در قبال وعده دریافت مبالغی بین ۲ تا ۵ هزار دلار در ارتکاب جنایت نقش داشته‌اند. بنابراین باید درباره زنجیره‌ای سخن گفت که در یک سوی آن، شبکه‌ای قرار دارند که با پول، خشونت را سفارش می‌دهند. ۲ تا ۵ هزار دلار. رقم‌هایی که شاید برای طراحان یک سناریوی خشونت‌آمیز تنها هزینه اجرای یک عملیات باشد، اما برای جامعه می‌تواند بهای از دست رفتن یک انسان، داغدار شدن یک خانواده و برهم خوردن امنیت روانی شهروندان باشد. اگر فردی حاضر می‌شود در برابر چند هزار دلار دست به جنایت بزند، مسئله فقط یک مجرم نیست. باید پرسید چه کسانی او را پیدا کرده‌اند، چه کسی پول را رسانده، چه کسی دستور داده، چه کسی هدف را تعیین و چه شبکه‌ای زمینه اجرای جنایت را فراهم کرده است؟

بر اساس اطلاعات مطرح‌شده در پرونده، موضوع ارتباط آن با شبکه‌های وابسته به جریان‌های صهیونیستی ـ امریکایی و برخی کشورهای منطقه مطرح است، اما اصل موضوع آن‌قدر مهم است که نمی‌توان از کنار آن ساده گذشت. در هر جنایتی، فردی که سلاح را به دست می‌گیرد یا ضربه نهایی را وارد می‌کند، در برابر قانون مسئول است. بااین‌حال وقتی ثابت شود پشت سر این افراد شبکه‌ای وجود داشته که آنها را جذب، تأمین مالی و برای ارتکاب جنایت هدایت کرده است، رسیدگی نباید در همان حلقه اول متوقف شود. افرادی که در این پرونده بازداشت شده‌اند، ممکن است تنها حلقه اجرایی یک زنجیره بزرگ‌تر باشند. از همین رو دستگاه‌های مسئول باید مسیر پول را دنبال کنند. پول از کجا آمده است؟ به چه کسی تحویل شده؟ چه کسی واسطه بوده است؟ ارتباط مالی از چه مسیری برقرار شده و هدف نهایی چه بوده است؟ پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند بخش مهمی از تاریکی پشت این جنایت را روشن کند.

تهدید علیه امنیت یک جامعه همیشه با تانک و موشک اتفاق نمی‌افتد. گاهی یک جامعه از درون هدف قرار می‌گیرد. با تحریک، نفرت‌پراکنی، عملیات روانی، خرید افراد و تبدیل شهروندان به ابزار اجرای خشونت. در چنین شرایطی، خطر اصلی آن است که جوانی که خود را قربانی یک روایت هیجانی یا وعده مالی کرده‌است، تصور کند با ارتکاب جنایت در حال انجام یک مأموریت بزرگ است. در حالی که ممکن است صرفاً به ابزاری ارزان‌قیمت در دست کسانی تبدیل شده باشد که خود هرگز در صحنه جنایت حاضر نمی‌شوند.

کسی که برای ۳، ۲ یا ۴ هزار دلار وارد مسیر جنایت می‌شود، باید بداند هیچ پولی ارزش از دست دادن آزادی، آینده و آرامش یک انسان را ندارد، چراکه پول تمام می‌شود، اما آثار جنایت باقی می‌ماند. خانواده قربانی تا سال‌ها با داغ عزیز خود زندگی می‌کند و خانواده مرتکب نیز ممکن است هزینه تصمیمی را بپردازد که با وعده‌ای مالی آغاز شده باشد. بنابراین جامعه باید نسبت به کسانی که از مشکلات اقتصادی، خشم اجتماعی یا هیجان جوانان برای جذب آنان به خشونت استفاده می‌کنند، حساس باشد. برخورد قانونی با مرتکبان جنایت ضروری است، اما اگر در تحقیقات مشخص شود این افراد مجری یک شبکه سازمان‌یافته بوده‌اند، شناسایی طراحان، تأمین‌کنندگان مالی و هدایت‌کنندگان احتمالی نیز باید در اولویت قرار گیرد. از سوی دیگر، نباید اجازه داد فضای مجازی به محلی برای جذب افراد، تحریک آنها یا عادی‌سازی خشونت تبدیل شود. جامعه برای مقابله با چنین پدیده‌ای بیش از هر چیز به آگاهی، خونسردی و اعتماد به قانون نیاز دارد. هر فراخوانی که از پشت یک صفحه ناشناس منتشر می‌شود، ارزش دنبال کردن ندارد. هر وعده پولی ارزش پذیرفتن ندارد و هیچ اختلافی ارزش آن را ندارد که انسان به قاتل تبدیل شود. در نهایت تحقیقات قضایی اگر ثابت کند پول‌های خارجی برای خرید خشونت و اجرای جنایت به داخل کشور منتقل شده است، آن‌گاه پرونده‌ای درباره تلاش برای خریدن امنیت و آرامش جامعه با دلار خواهد بود. ۴ هزار دلار نمی‌تواند قیمت جان یک انسان باشد و هیچ قدرت خارجی نیز نباید تصور کند می‌تواند با چند هزار دلار، انسان‌هایی را برای شکستن امنیت یک جامعه خریداری کند. جامعه هوشیار، پول خشونت را می‌بیند، مسیر آن را دنبال می‌کند و اجازه نمی‌دهد فریب‌خوردگان، بازیچه سناریوهایی شوند که پایان آن چیزی جز جنایت و زندان نیست.

قتل همسر چند سال پس از قتل دختر

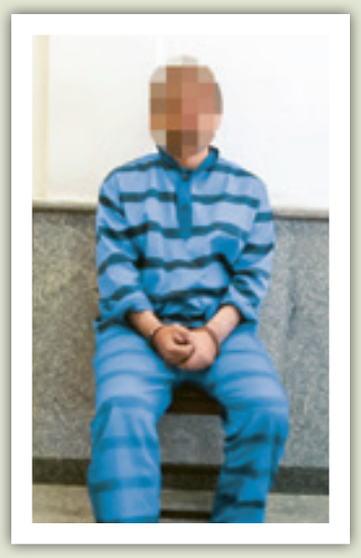

جلال مهرگان

تحقیقات پلیس درباره ناپدید شدن مرموز یک زن ۴۵ ساله در قیامدشت، به کشف بقایای جسد او و اعتراف شوهرش به قتل منجر شد. گمانه‌زنی حکایت از این دارد که متهم چند سال قبل دخترش را هم به قتل رسانده باشد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ کارآگاه مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: ساعت ۱۰ صبح دوم تیرماه امسال، زن ۴۵ ساله‌ای از خانه‌اش در قیامدشت خارج شد، اما دیگر به منزل بازنگشت. با گذشت چند روز، پرونده گم شدن او به پلیس آگاهی تهران بزرگ ارجاع شد و کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی تحقیقات تخصصی برای یافتن ردی از این زن را آغاز کردند. کارآگاهان برای یافتن اثری از زن ناپدیدشده، استعلام‌های لازم را از مراکز درمانی، بیمارستان‌ها، پزشکی قانونی و اورژانس کشور انجام دادند، اما هیچ سابقه‌ای از مراجعه یا حضور او در این مراکز به دست نیامد. با بی‌نتیجه ماندن این بررسی‌ها، تحقیقات میدانی و تخصصی در محل زندگی زن آغاز شد و کارآگاهان به سراغ اعضای خانواده و بستگان درجه یک او رفتند.

در جریان تحقیقات، برخی ابهامات باعث شد ظن کارآگاهان نسبت به شوهرش افزایش پیدا کند. یکی از مواردی که توجه پلیس را به خود جلب کرد، سابقه پرونده مشکوک مربوط به مرگ دختر خانواده در سال‌های گذشته بود، پرونده‌ای که در آن جسد دختر در بیابان‌های اطراف پیدا شده بود. نحوه پیگیری آن پرونده از سوی پدر خانواده نیز برای کارآگاهان پرسش‌هایی ایجاد کرد. شوهر زن ناپدیدشده به پلیس آگاهی احضار شد و در چند مرحله تحت بازجویی قرار گرفت. او در ابتدا تلاش کرد ناپدید شدن همسرش را اتفاقی عادی جلوه دهد و مدعی شد همسرش به دلیل مشکلات روحی و سابقه بستری در بیمارستان، دچار اختلالات دوره‌ای بوده و احتمال دارد برای آسیب زدن به او خانه را ترک کرده باشد، اما تحقیقات کارآگاهان با این ادعا همخوانی نداشت.

فروش خانه، شک پلیس را بیشتر کرد

بررسی اظهارات شاهدان، تحقیقات میدانی و بررسی رفتارهای مرد پس از ناپدید شدن همسرش، سرنخ‌های تازه‌ای در اختیار پلیس قرار داد. یکی از مهم‌ترین این سرنخ‌ها، فروش خانه تنها چند روز پس از ناپدید شدن زن و آن هم با قیمتی پایین‌تر از ارزش معمول بود، موضوعی که شک کارآگاهان را نسبت به احتمال وقوع جنایت بیشتر کرد. در نهایت، کارآگاهان شوهر زن را دستگیر کردند و تحقیقات تخصصی از او در پلیس آگاهی ادامه یافت.

اعتراف به قتل

مرد پس از مواجه شدن با مستندات پلیس، سرانجام به قتل همسرش اعتراف کرد. او در اظهارات خود مدعی شد که پس از یک مشاجره خانوادگی و در پی شنیدن مطالبی درباره قتل دخترشان، کنترل خود را از دست داده و همسرش را به قتل رسانده‌است.

متهم گفت پس از ارتکاب جنایت، برای مخفی کردن آثار قتل، جسد همسرش را از خانه خارج و در محدوده‌ای بیابانی در اطراف روستای چهل‌قز دفن کرده‌است.

با به دست آمدن این اطلاعات، کارآگاهان با هماهنگی مقام قضایی و با حضور متهم راهی محل اعلام‌شده شدند و بقایای جسد را کشف و به پزشکی قانونی منتقل کردند.

اما با کشف جسد زن، پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد. کارآگاهان در جریان تحقیقات درباره انگیزه قتل و بررسی سوابق خانواده، بار دیگر پرونده مرگ دختر خانواده را مورد بررسی قرار دادند. در همین مرحله، شوهر خانواده درباره سرنوشت دخترش نیز اظهاراتی را مطرح کرد که می‌تواند ابعاد تازه‌ای از این پرونده جنایی را روشن کند. با این حال، تحقیقات درباره مرگ دختر خانواده همچنان ادامه دارد و پلیس در حال بررسی اظهارات متهم و تطبیق آن با مدارک و شواهد موجود است.

مفقودی

برگ سبز (شناسنامه مالکیت خودرو)، سند کمپانی خودرو پژو ROA تیپ ۱۷۰۰، بنزینی /گاز (دوگانه سوز CNG)، مدل ۱۳۹۰، رنگ نقره‌ای متالیک، شماره پلاک ۱۵۸ص ۷۹ ایران ۳۳، شماره موتور ۱۱۸۹۰۰۰۳۸۹۵، شماره شاسی NAAB۴۱PM۵BH۳۵۴۱۲۳ به نام مجتبی فضائلی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

گیلان

مفقودی

برگ سبز (شناسنامه مالکیت خودرو)، سند کمپانی، کارت خودرو، گواهینامه، پراید تیپ سی دی ۵ (هاچ بک)، بنزینی مدل ۱۳۷۲، رنگ سفید روغنی، شماره پلاک ۲۹۲ ج ۷۹ ایران ۷۶، شماره موتور ۰۰۷۸۰۶۴۵، شماره شاسی S۱۴۴۲۲۷۳۱۰۲۱۹۳ به نام سمیه باروت کوبیان مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

گیلان

مفقودی

برگ سبز (شناسنامه مالکیت خودرو)، سند کمپانی و کارت خودرو پژو ۴۰۵ GLXi بنزینی مدل ۱۳۸۴، رنگ مشکی، شماره پلاک ۶۶۱ س ۶۸ ایران ۲۲، شماره موتور ۱۲۴۸۴۱۴۲۷۴۰، شماره شاسی ۱۴۲۵۱۶۳۶ به نام امیرسید محمد کاشی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

گیلان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۲۴۰۰۵۰۰۰۳۵۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۱۰ هیات اول /دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک دیر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای /خانم سمیه آسایش فرزند ابراهیم بشماره شناسنامه ۲۵۰۰۱۲۷۰۶۰ صادره از لامرد در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۶۰۲۵،۵ متر مربع (هفتاد و شش هزار و بیست و پنج متر و پنج سانتیمتر) مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۱۰۸ اصلی قطعه ۶ واقع در دوراهک خریداری از مالک غیر رسمی آقای /خانم وراث علی دراهکی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۰۵/۰۳ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۰۵/۱۸
شناسه آگهی ۲۲۳۲۶۳۴
عبدالعزیز نصار یوسفی
رئیس ثبت اسناد و املاک دیر

شناسه آگهی: ۲۲۳۲۶۳۴

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آرای صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی مستقر درواحد ثبتی تصرفات مالکانه بلا معارض عباس منصوری قروتخوار شماره ملی ۳۶۷۲۶۶۹۴۶۶ متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۲۰۱۷ درششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی به انضمام پنج دانگ مشاع از ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که مابقی آن وقف است به مساحت ۲۹۵۵۷،۹۵ متر مربع از پلاک شماره ۱۵۶ اصلی واقع در اراضی معصوم آباد بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد لذا به منظور اطلاع مراتب در دونوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود، ازاین رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشاراولین اگهی به مدت دوماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم وپس ازاخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مراجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارایه نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵،۴،۳۰
وتاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵،۵،۱۸
سید عیسی میرکاظمی - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان

شناسه آگهی: ۲۲۲۸۴۱۳

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر آرای صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی مستقر درواحد ثبتی تصرفات مالکانه بلا معارض شهناز بهرامی بشماره ملی ۳۷۳۱۸۸۷۸۸۶ متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۲۵۸۰ درششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی با انضمام ۵ دانگ مشاع از ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که مابقی آن وقف است به مساحت ۱۱۷۷ متر مربع از پلاک شماره ۸۸ اصلی واقع دراراضی جعفر آباد بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد لذا به منظور اطلاع مراتب در دونوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود ازاین رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم وپس ازاخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مراجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارایه نمایند.

سید عیسی میرکاظمی - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان

تاریخ انتشاراول: ۱۴۰۵/۰۵/۰۳
تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۸

شناسه آگهی: ۲۲۲۴۲۲۶